

Researcher in Documents of Sultanate of Qajar Era (Edicts, Envelopes of Edicts and Signatures)

Alireza Niknejad  ¹

1. Corresponding Author, Researcher of National Library and Records Organization of Iran, Tehran, Iran. Email: alre.niknejad@gmail.com

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:

Received:
30, November, 2022

In Revised Form:
3, March, 2023

Accepted:
6, September, 2023

Published Online:
22, September, 2023

Abstract

Despite the importance of studying and reviewing historical documents, especially the documents of the Qajar dynasty, no written scientific research has been done in this regard, and despite the differences in the basis of issuance, the documents are cataloged or introduced under different names, and their original names are not known in the Diwani literature, so The author tries to provide a better understanding of these documents, their form, content and function by investigating in this field. This research seeks to answer the question that what kind of documents of the Qajar period can be considered as Sultanate? And what documents are called command, command literacy, envelope command, and envelope command and handwriting literacy, and what is their form, structure, and content and why were they issued? The results of the research in this study show that in historical periods, the written orders of the sultans were referred to as "sultaniyat" and the written order of Mosheh to the signs of the Qajar kings were referred to as "orders". The literacy of Farman is also the second and third copy of Farman. An order that is sealed with the king's small seal and does not have signs, it is called an enveloped order and signature. The research method in this research is descriptive_ analytical and using library and documentary sources, and the data is extracted from command, command literacy, envelope command, command envelope literacy, handwriting and first-hand sources.

Keywords: Sultaniat, command, envelope command, handwriting, literacy.

Cite this The Author(s): Niknejad ,A., (2023). Researcher in Documents of Sultanate of Qajar Era (Edicts, Envelopes of Edicts and Signatures), Historical Sciences Studies Vol.15, No 2, Serial No.34 –Summer, (105-137)- DOI: 10.22059/jhss.2023.351853.473608.



Published by: University of Tehran Press



پژوهشی در اسناد سلطانیات دوره قاجار (فرمان، ملفوفه فرمان و دستخط)

علیرضا نیک نژاد^۱

alre.niknejad@gmail.com

۱. نویسنده مسئول، پژوهشگر سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹	با وجود اهمیت مطالعه و بررسی اسناد تاریخی به ویژه اسناد سلطانیات دوره قاجار، هنوز پژوهش‌های علمی مدونی در این باب صورت نگرفته است و اسناد با وجود اختلاف در مبانی صدور، به نام‌های متفاوتی فهرست‌نویسی یا معرفی می‌شوند و اسم اصلی آنها در ادبیات دیوانی شناخته شده نیست، لذا نگارنده می‌کوشد با بررسی در این زمینه، شناخت مناسب‌تری از این اسناد، شکل، محتوا و کارکرد آنها ارائه کند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه نوع از اسناد دوره قاجار را می‌توان در زمره سلطانیات دانست؟ و به چه اسنادی فرمان، سواد فرمان، ملفوفه فرمان و سواد ملفوفه فرمان و دستخط گفته می‌شود و فرم و ساختار و محتوای آنها چگونه است و چرا صادر می‌شدند؟ دستاوردهای تحقیق در این پژوهش نشان می‌دهد که در ادوار تاریخی به دستورات مکتوب سلاطین، سلطانیات و به دستور مکتوب موشح به علامات شاهان قاجار «فرمان» اطلاق می‌شد. سواد فرمان نیز رونوشت دوم و سوم فرمان است. فرمانی که به مهر کوچک پادشاه مهر شده و موشح به علامات نباشد، آن را ملفوفه فرمان و دستخط می‌نامند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است و داده‌ها از فرمان، سواد فرمان، ملفوفه فرمان و سواد ملفوفه فرمان و دستخط و منابع دست اول استخراج شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱	
واژه‌های کلیدی:	سلطانیات، فرمان، ملفوفه فرمان، دستخط، سواد.

۱. مقدمه

در میان انبوه اسناد دوره قاجار، اسناد سلطانیات بیشتر از اسناد دیگر شناخته شده‌اند؛ اما شناختی که از این دسته از اسناد وجود دارد، به صورت کلی است و اهمیت آن به دلیل خلأ پژوهشی موجود در این حوزه است که پژوهشگران درصدد می‌باشند، از همه منابع موجود و قابل دسترس، تحلیل جدیدی از ساز و کار اسناد سلطانیات عصر قاجار و تفکیک هریک از این اسناد، شکل، محتوا و کارکرد آنها برای شناخت مختلف تاریخ این دوره ارائه کنند. مقاله پیش رو هریک از این اسناد را از لحاظ اصطلاحات رایج دیوانی معرفی و سپس ساختار و محتوای آنها را بازگو و تبیین می‌کند. این نوشتار بدین برداشت کلی رسیده است که در ادوار تاریخی به دستورات مکتوب سلاطین و شاهان، سلطانیات اطلاق می‌شده و امر و دستور مکتوب و رسمی موشح به علامات شاهان دوره قاجار «فرمان» نام دارد. سواد فرمان از لحاظ سندشناسی، به رقم مثنی یا رونوشت فرمان که نسخه دوم و سوم آن فرمان است، گفته می‌شود. به فرمان پادشاهی که قطع آن کوچک‌تر از فرمان باشد و به مهر کوچک پادشاه مهرشده و موشح به علامات نباشد، ملفوفه فرمان و دستخط اطلاق می‌شد شاه اوامر خصوصی و دستخط مخصوص هم داشت که این دستورات با خط خودش و گاهی توسط خط منشی مخصوص یا یکی از اطرافیانش نوشته و توشیح می‌شد، به این نوع امر و دستور دستخط می‌گفتند. فرمان، دارای علائم مخصوص، یعنی تحمیدیه، توشیح، طغرا، مهر، متن، هامش و ظهریه بود و رویه و ظهریه فرمان از لحاظ ساختار، شکل و محتوا با ملفوفه فرمان متفاوت بوده است. فرمان‌ها، بر اساس نیاز امور ساری و جاری دیوانی کشور صادر می‌شد و تولید آن فقط در حوزه مالی و اداری بود. ملفوفجات بر اساس مسائل و مشکلات به وجود آمده که بیشتر برای ایالات (نه در دارالخلافه تهران) تولید می‌شد. افزون بر آن، برخلاف فرمان‌ها، ملفوفه فرمان‌ها بیشتر در حوزه غیر دیوانی و مشتمل بر نصایح، دستورالعمل، بخشنامه و اطلاع‌رسانی، رفع دعاوی، مسائل حقوقی و اجتماعی تولید می‌شد. ملفوفجات اصولاً در پاسخ به عریضه به شاه بود و شاه در پاسخ به عارض که بیشتر رفع دعاوی ملکی بود، به حاکم ایالت، ملفوفه فرمان صادر می‌کرد. در عصر قاجار امور ممالک، بدون امر و دستور پادشاه قابل اجرا نبود. امور دیوانی تنها از طریق امر و فرمان اجرا می‌شد. صدور فرمان جدا از اعطای لقب که پیامد و نتایج خوبی برای وصول‌کننده آن در پی داشت، اعطای شغل و منصب، معافیت مالیاتی، حق بازنشستگی برای بازمندگان شخص متوفای دیوانی و برقراری مواجب کارگزاران دیوانی بوده است؛ بنابراین، تمام امور دیوانی و حکومتی از مجرای فرمان صورت می‌گرفت. از طرفی می‌توان گفت شناسایی، بررسی و تحلیل فرمان‌ها پرتوی بر دیوانسالاری حکومت قاجار است، زیرا با توجه به اهمیت تحقیقات تاریخ دیوانسالاری عصر قاجار با توجه به فقر منابع در این زمینه، از طریق فرمان‌ها تا حدودی امکان‌پذیر است. شناسایی تصدیقات، ثبت و ضبط فرمان، در واقع مروری بر کار دیوان اثنا و استیفا و وزارت لشکر و سایر وزارتخانه‌های این دوره است. به عبارتی، صدور فرمان از ابتدا تا انتها، حاصل کار چند دیوان یا وزارتخانه بوده است.

همچنین با بررسی فرمان‌ها می‌توان به رابطه آن با تشکیلات دیوانی و سازمان اداری و مالی عصر قاجار پی برد. سؤال اینجاست چرا بررسی فرمان پرتوی بر کار دیوان انشا و استیفا و وزارت لشکر و سایر امور است؟ در جواب باید گفت که: برخلاف کتاب تذکرةالملوک که در مورد سازمان اداری دوره صفویه است، چنین منبع یا کتابی در زمینه سازمان اداری دوره قاجار موجود نیست؛ در نتیجه، محقق در این زمینه باید به اسناد و اطلاعات جسته و گریخته‌ای که در منابع موجود است، مراجعه کند. با جستجو در مراکز اسنادی، در این پژوهش به دو گونه منابع دست یافتیم: نخست اسناد موجود در آرشیو اسناد سازمان‌ها و مراکز آرشیو خصوصی و دولتی، به‌ویژه مرکز اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و سپس از منابع دست اول مانند دستور دبیری، افضل‌التواریخ، شرح زندگانی من، نفایس‌الفنون فی عرایس‌العیون، فروغستان و دیگر منابع تاریخی دوره قاجار و کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف جهانگیر قائم‌مقامی است.

۲. پیشینه پژوهش

سوابق پژوهش در این موضوع اندک است. علاوه بر تئنگاری‌ها و آثاری که به صورت معرفی اسناد در این باره تألیف شده‌اند، از جمله: مقالات و مدخل‌های رضا فراستی در مجله تاریخ معاصر تحت عنوان آشنایی با فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجاریه، فصلنامه تاریخ معاصر ایران شماره‌های ۱۱ تا ۱۴ پائیز و زمستان ۱۳۷۸ و بهار و تابستان ۱۳۷۹ و مهرهای شاهان قاجاریه، فصلنامه تاریخ معاصر ایران شماره ۱۷ بهار ۱۳۸۰ و مهرهای شاهزادگان قاجاریه، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۹ و ۲۰ پائیز و زمستان ۱۳۸۰ و واژه فرمان، دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۸۵ و اسنادی از مهر و حکاکی در دوره قاجاریه، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۱ و مهربرداری در دوره قاجاریه، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۶۸، پائیز و زمستان ۱۳۹۲ و کتاب «فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار»، جلد اول، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۲ و رقم‌های آقا محمدخان قاجار، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۶. مقاله «شناخت ویژگی‌های محتوایی و شکلی فرمان‌های دور اول قاجار» در مجله مطالعات فرهنگی (سال دوم، تابستان ۹۰، شماره ۸) از علی سام که این مقاله با اندک تغییر و اضافاتی و با تغییر عنوان مقاله در کتاب «بررسی فرمان‌نویسی دوره اول قاجار» از همو تکرار می‌شود. مقاله «اصحاب فرمان‌نویسی در عهد قاجاریه» در گنجینه اسناد (سال بیستم و چهارم، دفتر چهارم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۱، پیاپی ۹۳) از علی سام که با جرح و تعدیل و ارائه چند منبع جدید تکرار مقاله «شناخت ویژگی‌های محتوایی و شکلی فرمان‌های دور اول قاجار» و کتاب «بررسی فرمان‌نویسی دوره اول قاجار» است. بررسی «یازده نمونه از فرمان‌های دو تن از پادشاهان قاجار» در مجله پیام بهارستان (سال ششم، زمستان ۹۲، شماره ۲۲) از علی سام که نویسنده نقطه نظرانی متفاوت از دیگر مقالاتش، به‌ویژه در باب خوانش طغراءها و مهرها و ظهیری فرمان‌ها ارائه می‌کند. کتاب «بررسی فرمان‌نویسی دوره اول قاجار» که از وی در ۱۳۹۲ توسط انتشارات کلک زرین منتشر شده است، از منابعی چون دستور

دبیری عبدالخالق میهنی، تذکرةالملوک و کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف جهانگیر قائم مقامی وام گرفته است و هیچ نکته بدیعی ارائه نمی‌شود و از افرادی در نگارش فرمان یاد می‌کند که در دوره قاجار وجود خارجی ندارند. همچنین نویسنده نتوانسته است نوع و مهرهای فرمان‌ها و ملفوفجات را تفکیک کند. مقاله «شناخت و بررسی ملفوفه فرمان در دوره قاجار» از علیرضا نیک‌نژاد و دیگران در سال بیستم و چهارم، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۳، ۸۳، ۶۶ در گنجینه اسناد منتشر شده است که تنها یکی از اسناد سلطانیات یعنی ملفوفه فرمان تبیین می‌شود. با این وجود، مقاله حاضر درصدد است تا آنچه در این مقالات و کتاب‌ها گفته نشده یا کمتر اشاره شده، معرفی و تبیین کند.

۳. تاریخچه سلطانیات در ادوار تاریخی

تاکنون تعریف دقیقی از سلطانیات ارائه نشده است. در میان آثار گذشتگان، فقط عبدالخالق میهنی به تفکیک و دسته‌بندی و تعریف اسناد می‌پردازد. بر این اساس، سلطانیات به اسنادی گفته می‌شود که از طرف شخص اول ممالک - امیر و سلطان و پادشاه - تولید و صادر شده باشد (میهنی، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۴). سلطانیات در هر دوره‌ای نام خاصی داشته است. در قرون اولیه اسلامی و در زمان صفاریان، به دستورات امرای صفاری، «منشور» (ناشناخته، ۱۳۸۹: ۲۲۲) و در دوره سلجوقیان، اصطلاح «مثال» برای اوامر سلطانی اطلاق می‌شد (میهنی، ۱۳۸۹: ۳۵). گاهی از اصطلاح «عهد» به جای این دو اصطلاح در ادبیات دیوانی استفاده می‌شد (بیهقی، ۱۳۷۵: ۱/۱۳۸-۱۳۵). با ورود مغولان به ایران، کلمات و اصطلاحات مغولی در ادبیات دیوانی ایران وارد شد و به دستورات و اوامر مکتوب سلاطین مغول «یرلیغ» می‌گفتند (همدانی، ۱۳۷۴: ۲/۱۰۶۲). نوع دیگری از اسناد سلطانی دوره مغول «پروانچه» نام داشته است (همدانی، ۱۳۷۴: ۲/۱۰۶۵). در دوره مغول و ادوار بعد، به دستورهای سلاطین «حکم» نیز اطلاق می‌شد (همدانی، ۱۳۷۴: ۲/۱۰۶۶). علاوه بر آن، «نشان» نیز نوع دیگری از اسناد سلطانی بود که در دوره میانه، در ادبیات دیوانی استفاده می‌کردند (همدانی، ۱۳۷۴: ۲/۱۰۳۸). به دستورات و اوامر شاهان صفوی، افشاریه و زندیه «رقم» اطلاق می‌شد (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۷۱-۲۷۰ و استرآبادی، ۱۳۸۳: ۷۵). در دوره قاجار سلطانیات شامل فرمان (دفتری)، ملفوفه فرمان (و سپس دستخط) و فرمان بالمشافهه بوده است. در منابع دوره قاجار، نویسندگان هریک از این اصطلاحات را مترادف هم به کار می‌بردند. چنانکه، به دستور کتبی و رسمی پادشاه فرمان اطلاق می‌گردید، ولی اصطلاحاتی مانند «یرلیغ»، (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۴۹ و هدایت، ج ۱، ۳۳۹، ج ۹: ۳۱۴) «حکم»، (سپهر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۴ و ۱۱۱ و خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۹۱ و هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹: ۳۱۴ و ۳۳۴) «منشور» (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۶۹ و هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹: ۳۲۸ و سپهر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۴ و ۱۱۱) و «مثال» بجای اصطلاح «فرمان» آمده است (سپهر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۴ و ۱۱۱). در حقایق‌الخبار نیز اصطلاح «پروانه» به جای «فرمان» به کار برده شده است (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۹ و ۵۵). در متن بعضی از فرمان‌ها و منابع دست اول نیز اصطلاح «منشور»، «توقیع»، «حکم» و «یرلیغ» (ساکما، ۷۲۹۵-۲۹۵ و کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۸: ۱۴۹ و افضل‌الملک، ۱۳۶۱،

ج ۱: ۲۰) آمده است، چنانکه در برخی از منابع متقدّم نیز اصطلاح «فرمان» بجای «مثال» و دیگر اصطلاحات سلطانی بکار رفته است (میهنی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴ و ناشناخته، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

۳-۱. فرمان

در ادبیات دیوانی دوره قاجاریه، امر و دستور مکتوب و رسمی شاهان این سلسله مسمی به «فرمان» بوده است (مستوفی، ۱/۱۳۸۶: ۱۷۰). فرمان، دارای علائمی چون تحمیدیه، توشیح، طغرا، مهر و هامش (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۴۴) و ظهیریه بوده است. گفتنی است فرمان مکتوب، متفاوت از فرمان یا دستور شفاهی (بالمشافهه) پادشاه است. همچنین فرمان متفاوت از ملفوفه فرمان است (ر.ک. ضمائم تصویر شماره ۱ فرمان مظفرالدین شاه). شایان ذکر است، ملفوفه فرمان نیز با فرمان از لحاظ محتوا و کاربرد با هم متفاوت بودند. چنانکه جهانگیر قائم مقامی فرمانها را به دو دسته تقسیم می کند، ولی به ملفوفه فرمان اشاره ای نمی کند (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۴۷). افزون بر آن، منظور از فرمان دفتری، سند فرمان است که در برخی منابع به جای فرمان به کار می رفت (ساکماخ، ش ۶۵). (تصویر شماره ۱). فرمان مرکب از سه بخش: متن و تصدیقات و ظهیرنوشت است. متن مرکب از سه بخش مقدمه یا افتتاحیه، شرح متن و موخره تشکیل می شود. تصدیقات اجزای فرمان متشکل از تحمیدیه، مهر، طغرا، توشیح، سیاق، هامش است. ظهیرنوشت، شامل مهر و ثبت دیوانیان بوده است.

۳-۲. سواد فرمان

سواد از نظر لغوی به نسخه دوم و جزئی از آن کتاب یا نوشته و یا به رونوشت گفته می شود (دهخدا، ۹/۱۳۷۷: ۱۳۸۱۸). از لحاظ سندشناسی، رقم مثنی یا سواد فرمان، به رونوشت فرمان که نسخه دوم و سوم آن فرمان است، گفته می شود. از فرمانی که صادر می شد، می توانست نسخه رونویسی تهیه گردد که به عنوان نسخه دوم فرمان بود. از این رو مستوفیان و منشیان، رونوشتی از سند یا فرمان اصلی تهیه می کردند. رونوشت یا نسخه دوم به لحاظ محتوایی همانند اصل فرمان بود و ارزشی به اندازه فرمان اصلی را داشت. به همین دلیل در صورت مفقود شدن سند اصلی، رونوشت آن، نسخه با ارزشی محسوب می شد. رقم مثنی یا سواد فرمان با اصل فرمان از لحاظ محتوایی هیچ تفاوتی نداشته و فقط از لحاظ شکلی می توانسته است متفاوت باشد. از لحاظ محتوایی چنانچه در بالا اشاره شد، هر دو ارزش یکسانی دارند. رونوشت فرمان در چند صورت صادر می شد، در درجه اول برای بایگانی وزارت مالیه جهت اجرای فرمان صادر شده، رونوشت برمی داشتند. اصل فرمان در نزد وصول کننده آن نگهداری می شد. نسخه اصلی و رقم مثنی، تحت شرایطی، از نظر زمانی، ممکن بود جدا از یکدیگر صادر شده باشند. به عنوان مثال، فرضاً فرمانی که برای مخاطب فرمان صادر می شد و پس از مدتی مفقود می گردید؛ یکی از راههای اثبات، نگارش دوباره یا مراجعه به دفاتر خلود و ثبت و ضبط بوده است، چنانکه متن فرمان را می نوشتند و در محل مهر شاه، این گونه می نوشتند: «محل مهر آثار مبارک» و در ذیل آن چند نفر به وجود چنین فرمانی صحه می گذاشتند و در ذیل یادداشت مهرشان را می کردند و

به طور معمولاً این گونه می نوشتند: «سواد مطابق است با فرمان همایونی خُرره الاحقر احمد خراسانی». «بسم اله ... السواد مطابق السواد الاصلی خُرره مُحَمَّد رضا موسوی»، «... بلازیاده و نقصان ... حاج سیدمرتضی کلیددار روضه مطهر حضرت ابوالفضل العباس، تم سید مرتضی ضیاءالدین» و در ظهیریه سواد فرمان این گونه می نوشتند: «محل مهر جناب نظام الملک، محل خط و مهر عموم مستوفیان، محل مهر جناب معاون السلطنه، محل مهر مرحوم وکیل الدوله وزیر خلوت. (ساکما، ش ۱۲۵۰۱-۲۹۶). در رقم مثنی به جای تصدیقات سند «محل مهر همایونی» و گاهی متن سجع مهر را می نوشتند (ر.ک. ضمایم تصویر شماره ۲- سواد فرمان ناصرالدین شاه). به جای توشیح «محل توشیح همایونی» و در ظهیریه به جای مهر و طغراء نگاشت ها، محل مهر یا طغرای مستوفیان و منشیان را می نوشتند. اگر این نسخه برداری در زمان پادشاه آمر فرمان صورت می گرفت، نام آن پادشاه می آمد، ولی اگر بعد از مرگ او سواد تهیه می شد، این گونه می نوشتند: «محل مهر همایونی مرحوم مغفور فتحعلی شاه» (ساکما: ۱۶۵۸۵-۲۴۰). (تصویر شماره ۲ و ۳). امروزه سواد فرمان ها به دو گونه باقی مانده است، سوادى که در آرشیوهای دولتی و خصوصی موجود است و دوم به صورت رونوشت در منابع اصلی و منشآت مانند صدرالتواریخ، سفینه الفرامین و گنجینه نشاط و ... آمده است. این گونه منابع اگرچه فاقد جنبه های سند شناختی اند، ولی از نظر پژوهشی و محتوایی و اخبار و اطلاعات ارزشمند هستند (ر.ک. ضمایم تصویر شماره ۳- ظهیریه سواد فرمان).^(۱)

۳-۳. ملفوفه فرمان

ملفوفه فرمان^(۲) یکی از اسناد سلطانی دوره قاجار و نوع یا صورت دیگری از دستور مکتوب پادشاه است. ملفوفه در لغت به معنی «درنور دیده و پیچیده و فراهم آورده و تافته و لوله شده است». (دهخدا، ۱۴/۱۳۷۷: ۲۱۴۷۶) و نیز در فرهنگ نفیسی چنین آمده است: «مأخوذ از تازی، ملفوف، پیچیده و لفاف شده و لفاف کرده و احاطه شده، در جوف گذاشته، مجموع و لفاف» (نفیسی، ۱۳۴۳/ ۵: ۳۴۹۹). به نظر می رسد ملفوفه، فرمان یا نامه ای پیچیده یا مهر و موم شده که فقط مخاطب یا وصول کننده، می تواند آن را باز کند (گروسی، ۱۳۸۵: ۹۶). در دوره قاجاریه، اولین بار در زمان فتحعلی شاه ملفوفه فرمان مشاهده می شود. در دوره صفوی ملفوفه فرمان، «رقم بیاضی» نام داشت و مستقیماً به امر شاه نوشته می شد و در دفتر ثبت نمی گردید (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۷۱) در دوره افشاریه به ملفوفه فرمان، «رقم عتاب» می گفتند و با فعل «بداند» و «بدانند» شروع می شد (استرآبادی، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۲ و ۷۵) بنابراین ملفوفه فرمان صورت دیگری از فرمان بوده و تعاریف گوناگونی از آن در منابع دوره قاجار دیده می شود. به نظر نفیسی ملفوفه فرمان عبارت اند از: «فرمان پادشاهی که قطع آن کوچک تر از فرمان باشد و به مهر کوچک پادشاه مهر شده و مقید به ثبت در دفاتر نباشد» (نفیسی، ۱۳۴۳/ ۵: ۳۴۹۹). در کتاب فروغستان، نیز این چنین آمده است: «اگر حکمی از جانب سلطان صادر گردد و موشح به علامات نباشد، آن را ملفوفه فرمان و دستخط می نامند» (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۴۴). قائم مقامی فرمان های دوره قاجار را به دو دسته

تقسیم می‌کند و دسته دوم فرمان‌ها را عتابی و خطابی معرفی می‌کند و می‌گوید این فرمان‌ها فاقد طغراء بودند و بیشتر جنبه راهکارهای پادشاه به وصول‌کننده یا گیرنده فرمان داشت، یا شامل رویه و سلوک و دستورالعمل بود و با کلمه «بداند» توصیه و سفارش یا خواسته پادشاه را می‌نوشتند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۷-۴۶). مستوفی معتقد است که شاه دستور مکتوب دیگری به نام ملفوفه فرمان داشت و علت صدور آن تحقیق و تفحص در مورد مسائل ویژه‌ای بود و چون امکان داشت مهم و محرمانه باشد، به صورت پاکت مهرشده به دست وصول‌کننده آن می‌رسید، به همین جهت آن را ملفوفه فرمان می‌نامند و آن را بر روی کاغذ کوچک‌تر از کاغذهای فرمان‌ها و متن آن «منشیانه نبود و گاه در بعضی مواقع حالت بخشنامه‌ای داشت که به حکام ایالات ابلاغ می‌شد (مستوفی، ۱/۱۳۸۶: ۱۷۰). به همین خاطر رونوشت متعدد از روی یک نسخه با عنوان مخصوص هر ایالت ارسال می‌کردند. مستوفی در ادامه می‌گوید: «شاه اوامر خصوصی و دستخط مخصوص هم داشت که آنها را به خط خودش و گاهی به خط منشی مخصوصش که حکماً ذیل آن را امضاء می‌کرد، صادر می‌نمود. این قسمت به دستخط مرسوم بود» (مستوفی، ۱/۱۳۸۶: ۱۷۰). در ملفوفه فرمان‌ها نیز به جای واژه ملفوفه فرمان واژه «منشور، دستور همایون، حکم، خطاب مستطاب، حکم همایون و همایون منشور» به کار می‌رفت (ساکما، ش ۱۲۵۰۹-۲۹۶). ملفوفه فرمان مرکب از دو جزء متن و تصدیقات است. تصدیقات آن شامل تحمیدیه، مهر، توشیح، تاریخ صدور است (ساکما، ش ۲۶۰۰). ملفوفه فرمان فاقد ظهرنوشت است و به صرف یکی از نزدیکان شاه آن را به نگارش درمی‌آورد و مهر می‌کرد.

۳-۴. دستخط

در زمان ناصرالدین‌شاه، به ملفوفه فرمان، خطاب مستطاب و دستخط نیز اطلاق می‌شد (ساکما، ۸ و ۶) و در اواخر دوره قاجار کم‌کم به جای ملفوفه فرمان واژه دستخط بکار می‌رفت. در زمان احمدشاه واژه دستخط جایگزین ملفوفه فرمان شد (متما، ش ۶۳۸۱). فروغ اصفهانی هم این دو واژه را یکی می‌داند (اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۴۴). بنا بر نظر مستوفی، شاه فرمان را در مواردی به خط خود می‌نوشت، چنان‌که ناصرالدین‌شاه فرمان واگذاری حکومت گیلان را با خط خود به علاءالدوله واگذار کرد (ساکما، ۲۵۹۰۲-۲۹۶). دستور دیگری نیز به خط ناصرالدین‌شاه وجود دارد، ولی تفاوت آن با دستخطی که اشاره شد، در این است که مهر ملفوفجات ناصرالدین‌شاه بر آن حک نشده است (ساکما، ۲۵۹۰۲-۲۹۶). افزون بر آن، دستخط‌های احمدشاه برخلاف دستخط‌ها و ملفوفه فرمان‌های شاهان قبل، عدم درج تاریخ صدور دستخط در انتهای متن است (متما، ش ۶۳۷۳). نکته حائز اهمیت در دستخط‌های احمدشاه، این است که دیگر حالت عتابی ندارد و دلیل آن را باید تأثیر حکومت مشروطه و مجلس شورا و هیئت وزراء دانست، در حالی که در ملفوفجات و دستخط پادشاهان قبل، با فعل عتابی «بداند» شروع می‌شد. مطلع دستخط احمدشاه این‌گونه بود: «نظر به تصویب جناب اشرف مُشیرالدوله رئیس‌الوزراء و وزیر داخله مقرر می‌داریم» (متما، ش ۶۳۸۱) و مؤخره دستخط‌های احمدشاه نیز این‌گونه بود: «ماده ۲ یا فلان - و عموم وزراء مأمور

اجرای این دستخط هستند» (متما، ش ۶۷۱۷). از طرفی، ممکن بود دستخط جنبه شخصی یا جنبه عمومی و بخشنامه‌ای داشته باشد. در صورت عدم حضور پادشاه در کشور، نائب السلطنه ملفوفه فرمان را توشیح و به جای مهر پادشاه مهر خودش را بر ملفوفه فرمان حک می‌نمود (ساکما، ۹۶۰۷-۲۹۶). صدور فرمان تا قبل از سن قانونی و تاج‌گذاری احمدشاه توسط نائب السلطنه صورت می‌گرفت.

۳-۵. سواد ملفوفه فرمان

تفاوت ملفوفه فرمان با سواد آن، همانند فرمان بوده است. در سواد ملفوفه فرمان فقط متن ملفوفه فرمان را می‌نوشتند و فاقد مهر و توشیح پادشاه بوده است. در صدر سواد نیز به صورت دست‌نوشته سجع مهر ملفوفه فرمان پادشاه را می‌نوشتند، (ساکما، ۹۶۰۷-۲۹۶) و یا بالای متن می‌نوشتند: «سواد ملفوفه فرمان همایون» (متما، ۱۴۴-۳۱-۷).

۴. اجزاء فرمان، سواد فرمان، ملفوفه فرمان و سواد ملفوفه فرمان

۴-۱. سیمای بیرونی و ساختار فرمان

رویه فرمان و ملفوفه فرمان شامل دو بخش تقسیم متن و تصدیق است. متن از سه بخش مقدمه و شرح متن یا شرح وصف و مؤخره تشکیل می‌شود. تصدیق فرمان نیز مرکب بود از: تحمیدیه، مهر، طغرا، هامش^(۳)، سیاق و توشیح. تصدیق ملفوفه فرمان مرکب از دو بخش مهر و توشیح است.

۴-۲. متن فرمان و ملفوفه فرمان

متن فرمان‌های دوره قاجار، از لحاظ ادبی مغلق و پیچیده نوشته می‌شد و نگارش آن دارای آداب خاصی بوده است. انشاء فرمان‌ها یکی از فنون دبیری محسوب می‌گردید و دبیران موظف بودند سی شرط از این آداب و لوازم دبیری را رعایت کنند. (آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۷۹-۲۷۶) تنها منشیان و دبیران دیوان انشاء، سرشته‌ای از این صنعت داشتند، به همین دلیل منشیان سعی می‌کردند توان علمی و ادبی خود را به رخ رقبا بکشند، به‌ویژه در اوایل دوره قاجار که منشیان دیوانی هنوز تحت تأثیر سبک پیچیده و مغلق دوره افشاری و میرزامهدیخان نصیر استرآبادی بودند؛ و در اواخر این عصر، انشای فرمان‌ها از حالت مغلق‌نویسی رو به سادگی می‌رود. بعد از صدور ملفوفه فرمان مشروطیت، به‌ویژه فرمان‌های محمدعلی‌شاه و احمدشاه به سبک ساده نگاشته می‌شد و مانند گذشته دارای پیچیدگی‌ها و خطاب و القاب نبود. متن یک فرمان متشکل از سه قسمت مقدمه، شرح وصف و مؤخره بود که توسط منشیان دیوان انشاء نوشته می‌شد: ۱- قسمت مقدمه نامه یا فرمان، قسمت بالای آن است که با خطاب و القاب همراه بود و آداب خاصی داشت: «و این ابتدای نامه را خوانند که بعد از تسمیه آغاز کرده شود و ادب آن است که با بزرگان افتتاح سخن به ثنا و دعا کرده آید، پس هر چه بدیشان نبشته شود واجب دارند که زندگانی و دعا نبیسنند بر رسمی که پیدا کرده آید، خواه در نامه و خواه در رقع و غیر آن و به اکفا مستحب است و اگر نبیسنند سبک داشتن شمارند و به کهتران روا بود اگر نبینند» (میهنی، ۱۳۸۹: ۱۰). همچنین صدر مکتوبات را با القاب و ادعیه و شرح اشتیاق با توجه به مراتب مخاطب آنکه

ممکن بود فراتر یا فروتر باشد، می‌نوشتند (آملی، ۱/۱۳۸۹: ۲۹۲-۲۸۰). در فرمان‌های قاجاری، فقط خطاب و القاب گیرنده فرمان را ذکر می‌کردند و از دعا خبری نبود. منشیان دیوان انشاء یا وزارت رسائل، در نگارش افتتاحیه فرمان‌ها سعی می‌کردند بهترین عبارات را در ذکر القاب، متناسب با مراتب مخاطب فرمان به کار ببرند. آغاز فرمان بدین گونه بود: «آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت پناه فضایل و معارف همراه» (متما، ش ۷۰۹۶)، چنانچه اگر فرمان در خطاب به ولیعهد یا یکی از شاهزادگان می‌بود، لحن افتتاحیه فرمان عوض می‌شد: «لعل درخشان درج شوکت مفتاح ابواب فتوح مصباح روح خجسته فرزند سعادت مند گرامی نور چشم اعز نامی مظفرالدین میرزا صاحب اختیار آذربایجان ...» (ساکما، ۳۲۵۸۹۸-۲۹۶). معمولاً خطابه فرمان در یک سطر و یا حداکثر در یک سطر و نیم نگاشته می‌نوشتند. افتتاحیه فرمان‌ها با ملفوفه فرمان متفاوت بود. افتتاحیه فرمان‌ها با نرمی و لطافت بود، ولی افتتاحیه ملفوفجات با عبارت عتابی و دستوری بوده است. بخش بالای ملفوفجات، خطابه شاه بود و همانند فرمان‌ها گیرنده را با القاب مورد خطاب قرار می‌دادند: «عمدة الخوانین العظام مقرب الخاقان قدوی دولت جاوید ارتسام محمد قاسم خان والی گیلان بمُرحم علیه پادشاهی مفتخر بوده» (ساکما، ۱۸۹۱۲-۲۹۶)؛ و چنانچه ملفوفه فرمان جنبه عمومی یا بخشنامه‌ای و متحدالمال داشت، مقدمه را این گونه می‌آوردند: «عالیجاهان عزت همراهان اعز و اعیان و اعظام و اشراف و عموم کدخدایان و رعایای مازندران بخطاب مستطاب همایون برقرار بوده» (ساکما، ۲۲۱۴۷-۲۴۰) و در صورتی که مخاطب یکی از شاهزادگان یا ولیعهد بود، لحن مقدمه عوض می‌شد و بسیار محبانه نوشته می‌شد: «فروزنده اختر برج جلالت جهاندری و درخشنده گوهر درج سلطنت و تاجدار ثمره مشجر ابهت و شهریاری فرزند اعز ارجمند سعادت مند ولیعهد دولت گردون معزز بوده» (ساکما، ش ۸۸). نمونه دیگری نیز موجود است که فقط اسم شخص بدون لقب آمده است: «عضدالملک» (متما، ش ۸۱۳۰). ملفوفه فرمان بعد از ذکر القاب و نام شخص، با فعل «بداند» شروع می‌شد و گاهی به جای «بداند»، «میدانی» می‌آمد (متما، ش ۸۱۳۰).

۲ - قسمت شرح وصف یا محتوای متن، مهم‌ترین قسمت فرمان خواسته شاه را شامل می‌شد و قسمت اعظم فرمان به شرح متن یا وصف اشتیاق اختصاص داشت.

متن ملفوفجات برخلاف متن فرمان، از لحاظ ادبی فاقد اغلاق بود. در این بخش اگر فرمان بود، بنا بر عمل و وظایف گیرنده فرمان، شرح لقب و وظیفه صادر می‌شد. افزون بر آن، ممکن بود در ذیل شرح انتصاب شده، شیوه رفتار وی نیز نوشته شود. در ملفوفه فرمان ممکن بود شاه، خاطیان یا مخاطبان را با عبارات کیفری و انذار هشدار دهد یا به توصیه بپردازد (ساکما، ۷۲۹۵-۲۹۵).

۳ - مؤخره فرمان، انتهای فرمان شامل دستور به دستگاه‌های مجری و شامل تاریخ و دعای پایانی بوده است. قائم مقامی می‌گوید: «مطالب خاتمه‌ها گاهی عبارت از دستور و توصیه و سفارشی به عمال دولت و گاهی حاوی آرزو و گاهی متضمن دعا بوده است» (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۶۵). خاتمه فرمان نیز با ملفوفه فرمان متفاوت بوده است. خاتمه فرمان در خطاب به دستگاه‌هایی که موظف مفاد فرمان را به اجراء بگذارند، بوده و هیچ گونه مضامین دعا و رجاء در خود نداشته است، (ساکما، ش ۱۲۹)؛ ولی خاتمه ملفوفه فرمان در خطاب به یک شخص یا عموم حکام یا مردم بود. شاه با آوردن

«موافق این ملفوفه فرمان» خواسته خویش یا غرض صدور این ملفوفه فرمان را اشاره می‌کرد: «حَسْبُ الْمُقَرَّرِ مَرْتَبَ دَارِدْ وَ دَر عَهْدِ شَنَاسِدْ» (ساکما، ۱۸۹۱۲-۲۹۶).

۳-۴. بخش تصدیقات

۳-۴-۱. مهر فرمان‌ها و ملفوفه فرمانها

استفاده از مهر در اسناد دیوانی و سلطانی، از قدیم‌الایام بر اساس قواعدی خاصی در نظام دیوانی بهره می‌برد و هر یک از شاهان و دیوانیان مهر مخصوص به خود داشتند. سجع مهر شاهان قاجار با اندکی تغییر، الهام گرفته از مضامین مهرهای شاهان صفوی، با مضامین اسلامی و متأثر از شعائر مذهبی بوده است. به عبارتی، ویژگی‌ها و آداب و خصوصیات فنی مهرهای دوره قاجار با سنن مهورداری دوره‌های قبل، به‌ویژه عصر صفوی پیوند خورده است و در واقع مهر و اداره مهورداری دوره قاجار دنباله مهورداری عصر صفویه است. تغییراتی که در این دوره در مهرها وجود دارد، بیشتر مربوط به خصوصیات شکلی و ترکیب مهرهاست. با جلوس شاه جدید به تخت سلطنت، ملک‌الشعرا یا شاعر دربار، شعری را برای سجع مهر فرمان‌ها می‌سرود (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۱). گفتنی است مهر فرمان‌های شاهان در صدر فرمان حک می‌شد (ر.ک. ضامیم. فرمان بدون مهر مظفرالدین‌شاه). برخی منابع اشاره می‌کنند که مهر ملفوفه فرمان شاهان قاجار کوچک بوده (نفیسی، ۱۳۴۳: ۵؛ ۳۴۹۹)، ولی در اینکه این مهر کوچک، دارای چه سجعی بوده است، سکوت می‌کنند. سجع مهر ملفوفه فرمان مشابه لقب پادشاه، بر روی سکه‌ای بود که با جلوس شاه جدید در ضرابخانه می‌زدند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۱۵).

۵. عوامل تولید فرمان‌ها و ملفوفجات

دلایل و زمینه‌های گوناگونی زمینه‌ساز صدور فرمان‌ها و ملفوفجات وجود داشت. فرمان‌ها، بر اساس نیاز دیوانی کشور صادر می‌شد و تولید آن فقط در حوزه اداری مالی بود و ملفوفجات بر اساس مسائل و مشکلات به وجود آمده تولید می‌شد. افزون بر آن، ملفوفجات بیشتر در حوزه غیر دیوانی و مشتمل بر عتاب و خطاب و دستورالعمل بود؛ بنابراین ملفوفه فرمان، به‌مثابه دیوان مظالم در ایران میانه بود. بعضی از فرمان‌های دوره متقدم قاجار، در دوره اواسط و متأخر قاجاریه در قالب دستخط و ملفوفه فرمان صادر می‌شد. فرمان‌های اعلام آماده‌باش، اعلام مأموریت، همکاری، فرمان مباهی و موارد دیگر که در زمان فتحعلی‌شاه به صورت فرمان صادر می‌شد، در زمان ناصرالدین‌شاه به صورت دستخط و ملفوفه فرمان صادر می‌گردید و به همین دلیل به این‌گونه فرمان‌های فتحعلی‌شاه، فرمان عتابی یا دستورالعمل نام‌گذاری گردید؛ بنابراین، صدور اوامر مکتوب سلطانی، به خاطر نیازی که در زمینه دیوانی و در زمینه اجتماعی به وجود می‌آمد، صادر می‌شد.

۳-۴-۵. ظهرنوشت

ظهرنوشت فرمان به پشت فرمان گفته می‌شود. در زمینه ظهرنوشت فرمان کتاب یا مقاله‌ای جز اشاره مختصر عبدالله مستوفی در شرح زندگانی من موجود نیست تا بتوان بر پایه آن به بررسی ظهرنوشت فرمان‌ها پرداخت. از طرفی، قرائت ظهرنوشت‌ها نیز خود به علت طغرانبوسی مستوفیان بسیار مشکل و مستلزم ممارست زیاد است. پس از اینکه فرمان توسط دیوان انشاء یا

رسائل به نگارش درمی‌آمد، به نزد صاحب‌دیوان و وزیراعظم و منشی‌الممالک و رئیس دیوان استیفاء فرستاده می‌شد. پس از آن به مهر و طغرای مستوفی پای سند و سپس مستوفی‌الممالک و منشی‌الممالک می‌رسید و سرانجام صدراعظم ظهرنوشت فرمان را صحه می‌گذاشت و تا زمانی که صدراعظم طغرا نمی‌کشید، شاه فرمان را توشیح نمی‌کرد (متما، ش ۵۹۸۸). سپس هریک از مستوفیان آن را ثبت و رونویسی می‌کردند؛ و در اواخر دوره قاجار، به‌ویژه فرمان‌های محمدعلی‌شاه و احمدشاه، ظهرنگاری خلاصه‌تر از گذشته گردید، بلکه به صورت دیگری ثبت و ضبط می‌گردید.

۴-۳-۶. عوامل تولید فرمان‌ها و ملفوفجات

دلایل و زمینه‌های گوناگونی زمینه‌ساز صدور فرمان‌ها و ملفوفجات وجود داشت. فرمان‌ها، بر اساس نیاز دیوانی کشور صادر می‌شد و تولید آن فقط در حوزه اداری مالی بود و ملفوفجات بر اساس مسائل و مشکلات به وجود آمده تولید می‌شد. افزون بر آن، ملفوفجات بیشتر در حوزه غیر دیوانی و مشتمل بر عتاب و خطاب و دستورالعمل بود (ر.ک. ضمایم. فرمان احمدشاه و فرمان نایب‌السلطنه ناصرالملک)؛ بنابراین ملفوفه فرمان، به‌مثابه دیوان مظالم در ایران میانه بود. بعضی از فرمان‌های دوره متقدم قاجار، در دوره اواسط و متأخر قاجاریه در قالب دستخط و ملفوفه فرمان صادر می‌شد. به عنوان مثال، فرمان‌های اعلام آماده‌باش، اعلام مأموریت، همکاری، فرمان مباهی و موارد دیگر که در زمان فتح‌علی‌شاه به صورت فرمان صادر می‌شد، در زمان ناصرالدین‌شاه به صورت دستخط و ملفوفه فرمان صادر می‌گردید و به همین دلیل به این گونه فرمان‌های فتح‌علی‌شاه، فرمان عتابی یا دستورالعمل نام‌گذاری گردید؛ بنابراین، صدور اوامر مکتوب سلطانی، به خاطر نیازی که چه در زمینه دیوانی و چه در زمینه اجتماعی به وجود می‌آمد، صادر می‌شد و فرمان‌ها و ملفوفه فرمان‌ها به دسته‌هایی چون فرمان انتصاب، فرمان اعطایی، فرمان ارتقای اداری، فرمان‌های عتابی و خطابی شاهان متقدم قاجار تقسیم می‌شود.

۶. نتیجه

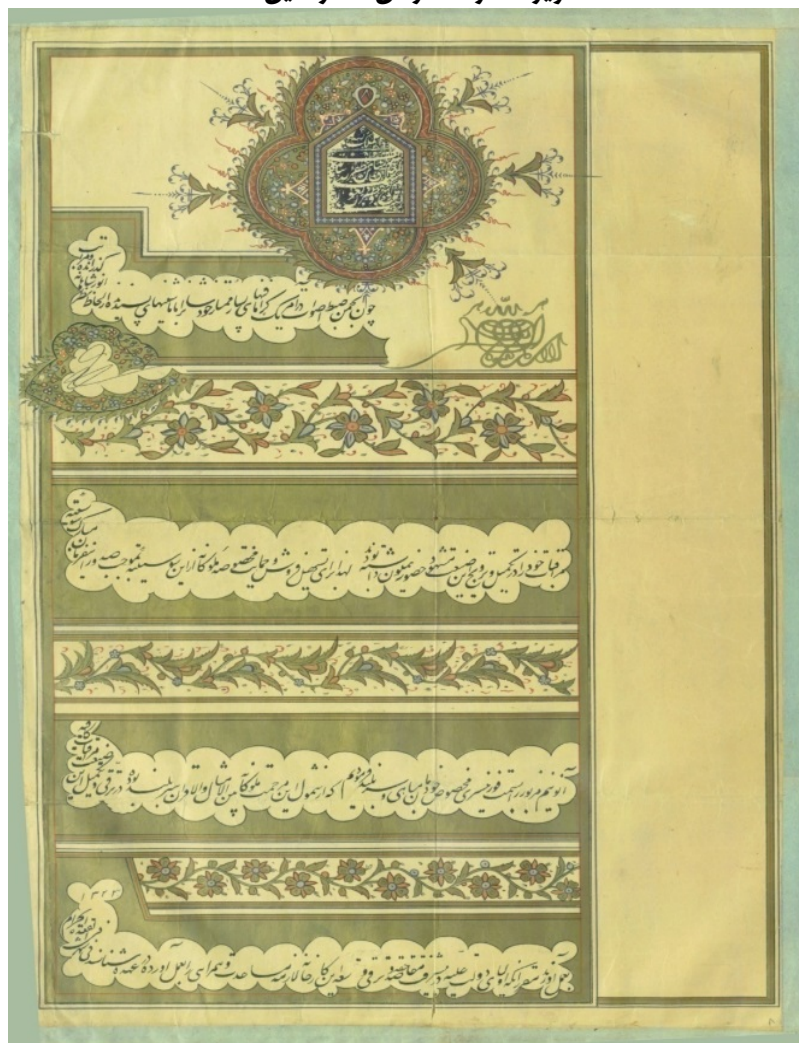
بررسی و مطالعه اسناد در این پژوهش نشان می‌دهد اسناد سلطانیات از طرف شخص اول ممالک صادر می‌شد و شامل فرمان، ملفوفه فرمان و سپس دستخط بود و کارکرد هریک متفاوت بوده است، چنانکه به دستورات مکتوب سلاطین و شاهان سلطانیات اطلاق می‌شد و دستور مکتوب موشح به علامات شاهان دوره قاجار «فرمان» نام داشت و به رونوشت آن سواد می‌گفتند و به فرمان فاقد طغراء و علامات و قطع کوچک‌تر از فرمان و ممهور به مهر کوچک پادشاه ملفوفه فرمان و دستخط می‌گفتند و به اوامر به دستخط مخصوص پادشاه که گاهی به خط وی و گاهی توسط خط منشی مخصوص نوشته می‌شد، دستخط می‌گفتند و در اواخر دوره قاجار به‌تدریج بجای ملفوفه فرمان بکار می‌رفت و در اواخر قاجار در ادبیات دیوانی تثبیت شد. فرمان، دارای علائم مخصوص، یعنی تحمیدیه، توشیح، طغراء، مهر، متن، هامش و ظهریه بود و رویه و ظهریه فرمان از لحاظ ساختار، شکل و محتوا با ملفوفه فرمان متفاوت بوده است. فرمان‌ها، بر اساس در مورد امور دیوانی (اداری مالی) صادر می‌شد و ملفوفه فرمان‌ها در حوزه غیر دیوانی و در پاسخ به عرایض به شاه تولید می‌شد.

پی‌نوشت

۱. با بررسی تعدادی سواد فرمان دوره قاجار، مشخص می‌شود که از آقا محمدشاه، سواد فرمانی در قالب سند مشاهده نشد و بیشتر سواد فرمان‌ها به ترتیب مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه و سپس مظفرالدین و احمدشاه بوده است و محتوای بیشتر این اسناد، در رابطه با مقرر و مستمری و امور مالی بوده است. افزون بر اینکه، سواد فرمان‌هایی که از آقا محمدشاه وجود دارد، در کتاب‌هایی مانند تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز موجود است (نادر میرزا، بی‌تا: ۱۵۴).
۲. برای اطلاعات بیشتر در زمینه ملفوفه فرمان بنگرید به مقاله شناخت و بررسی ملفوفه فرمان در دوره قاجار، گنجینه اسناد، سال بیستم و چهارم، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۳، ۸۳، ۶۶.
۳. حاشیه و مرز

ضمایم

تصویر شماره ۱ فرمان مظفرالدین‌شاه



ساکماخ، ش ۴۲

[illegible]

[illegible]

تصویر شماره ۴ - ملفوفه فرمان فتحعلی شاه

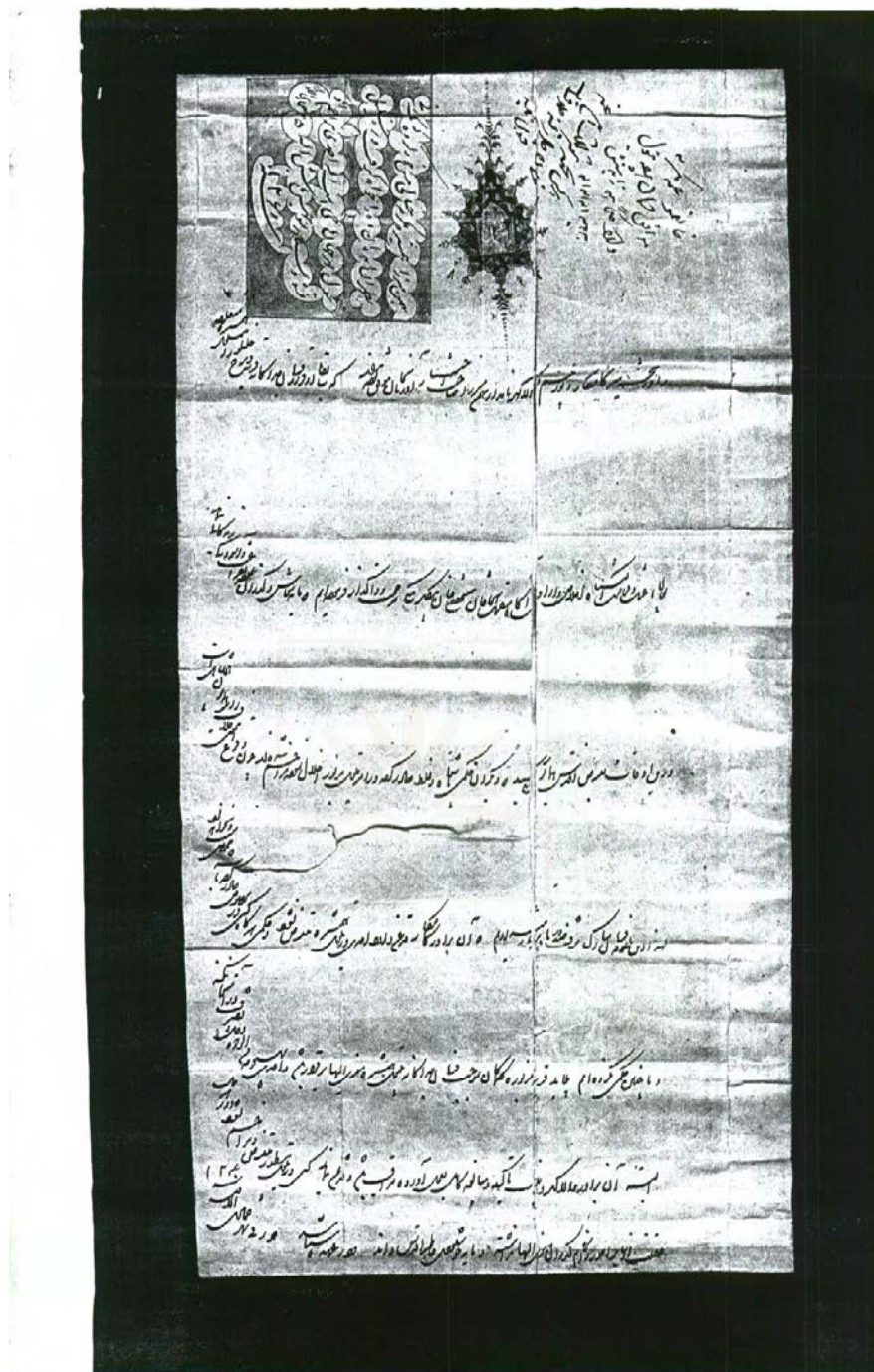


(ساکما، ۷۲۹۵-۲۹۵)

تصویر شماره ۵ - ملفوفه فرمان دیگری از فتحعلی شاه



تصویر شماره ۶ - ملفوفه فرمان محمدشاه



(ساکما، ۱۲۵۰۹-۲۹۶)

تصویر شماره ۷ - ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه



۱۰۰

حضم

١٠

عوانه عاد

۱۷۹۰

این امر

وہ

٧٢

۱۲۵۹

(ساکما، ۱۸۹۱۲ - ۲۹۶)

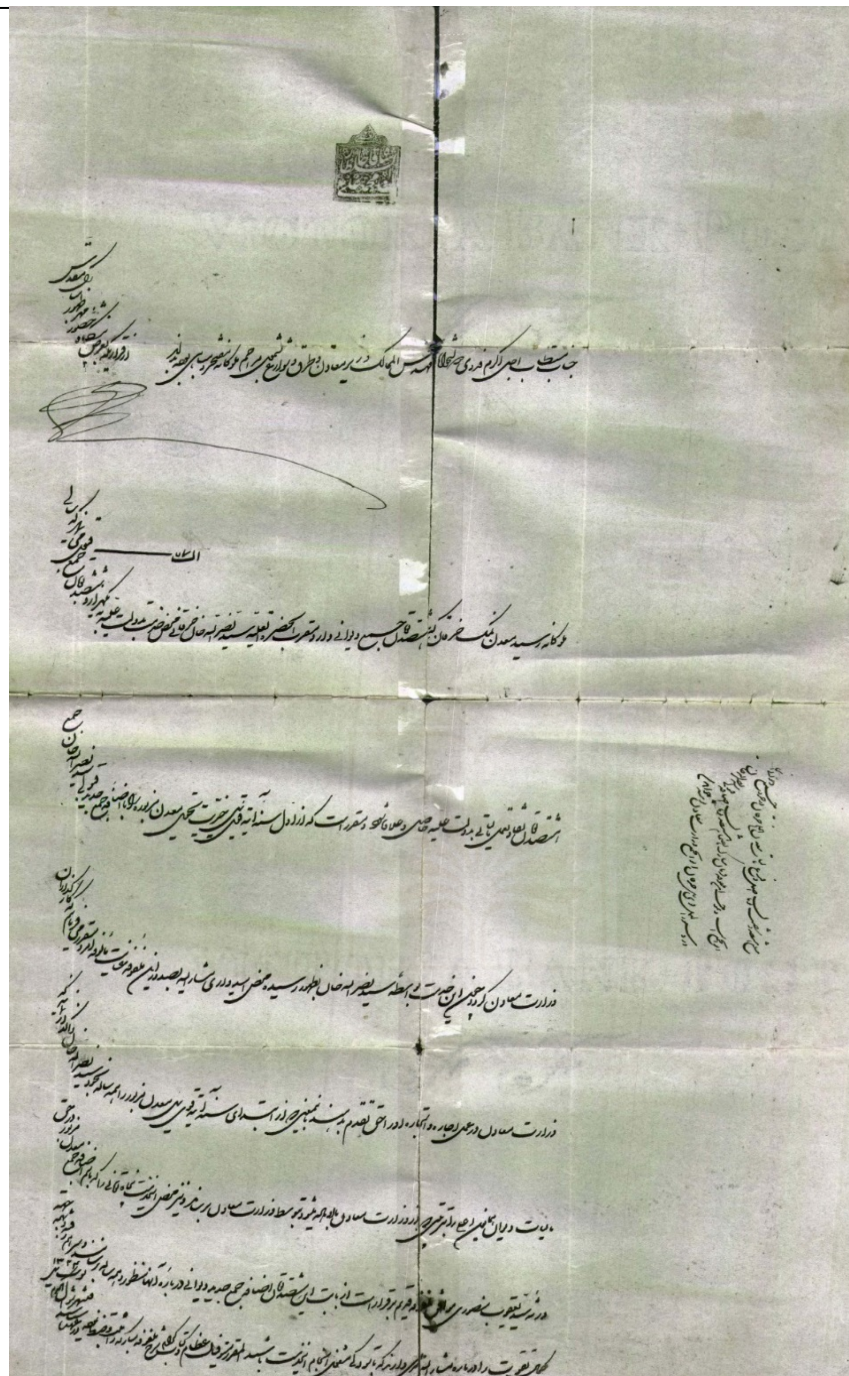
۲۶-۱۱

۱۳۰۵

۲۹-۲۱

(ساکماق، ۲۶۰۰)

تصویر شماره ۱۰ - ملفوفه فرمان محمد علی شاه



(ساکما، ۱۶۱۹۴ - ۲۴۰)

تصویر شماره ۱۱ - ملفوفه فرمان احمدشاه



ما سلطان احمد قاجار

نقد بقوب خانباشی شرف ستونی الملوک رئیس الوزراء، تقریر میدارم

ماده اول - قانون تسیاهنچاری عاکسرخ جزایر مدیترانه، در این مقام

که شش بر دوازده ماده شرایط و یک تبصره و ضمیر این دستخط است، مانند قوانین ملکی بود.

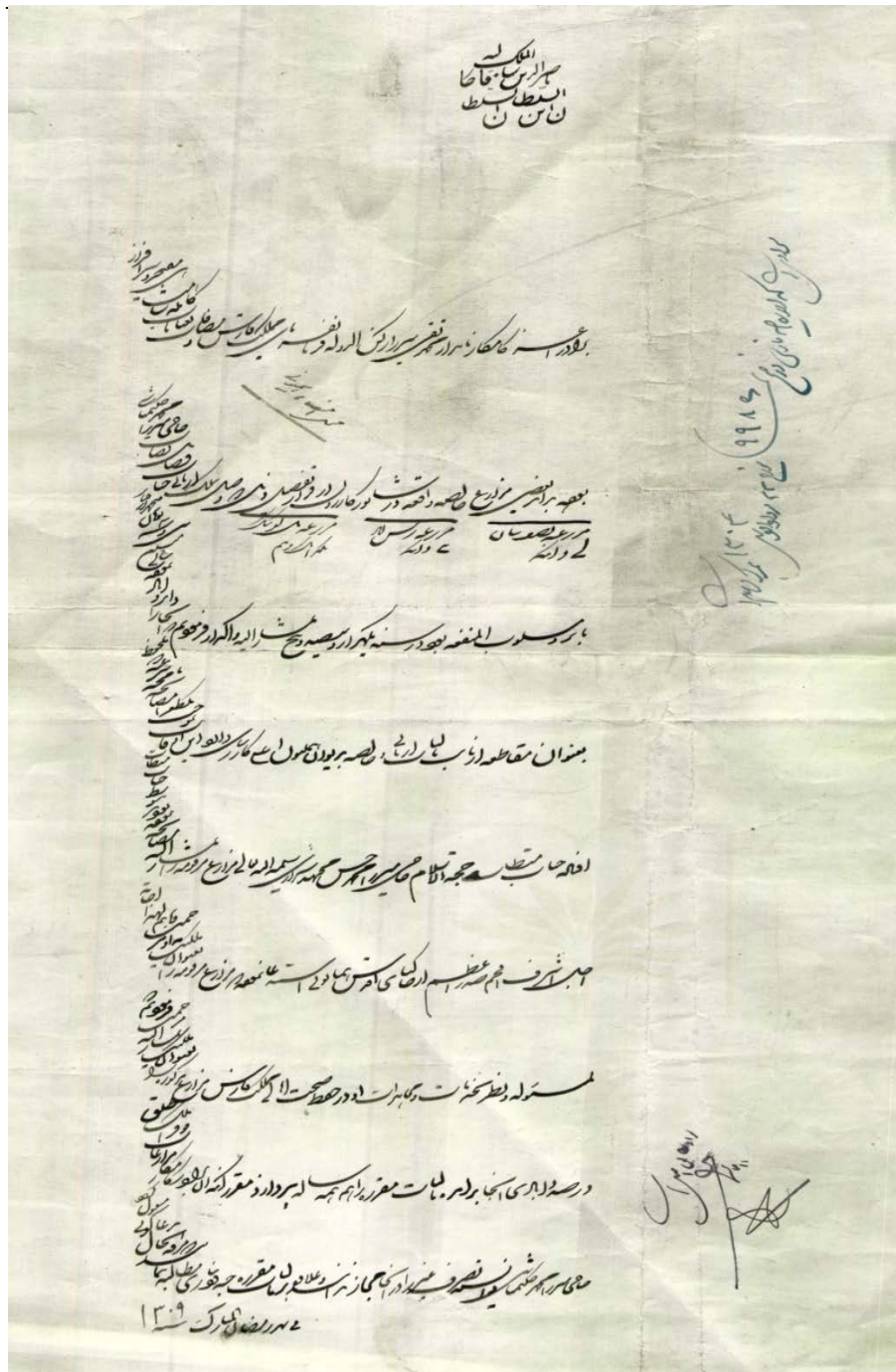
گذشته شود.

ماده دوم - وزیر نواید عائد امور اجرای این دستخط است.

۶۳۷۳

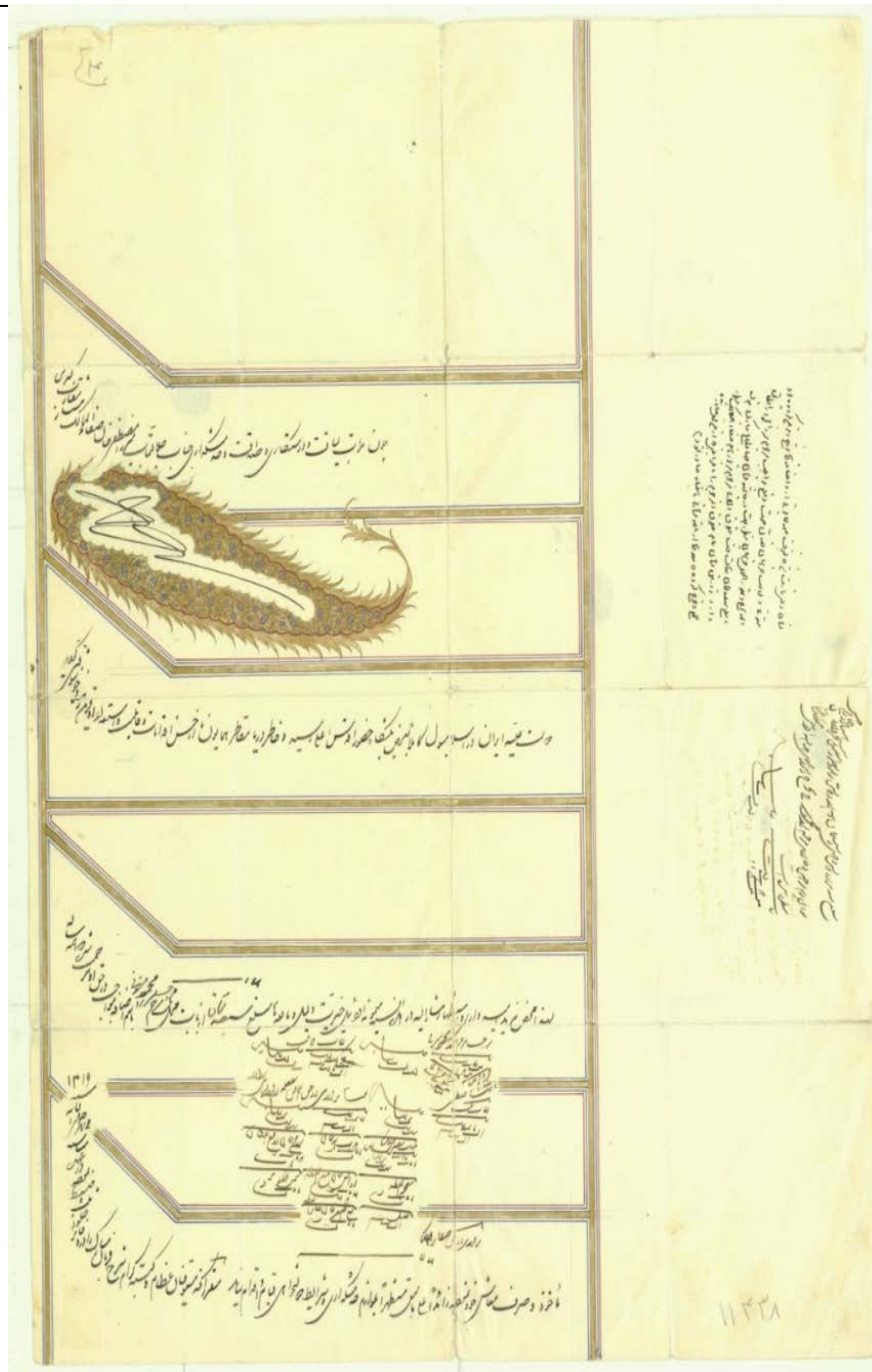
(متما، ۶۳۷۳)

تصویر شماره ۱۲ - سواد ملفوفه فرمان



(ساکما، ۹۶۰۷-۲۹۶)

تصویر شماره ۱۳ - فرمان بدون مهر مظفرالذین شاه

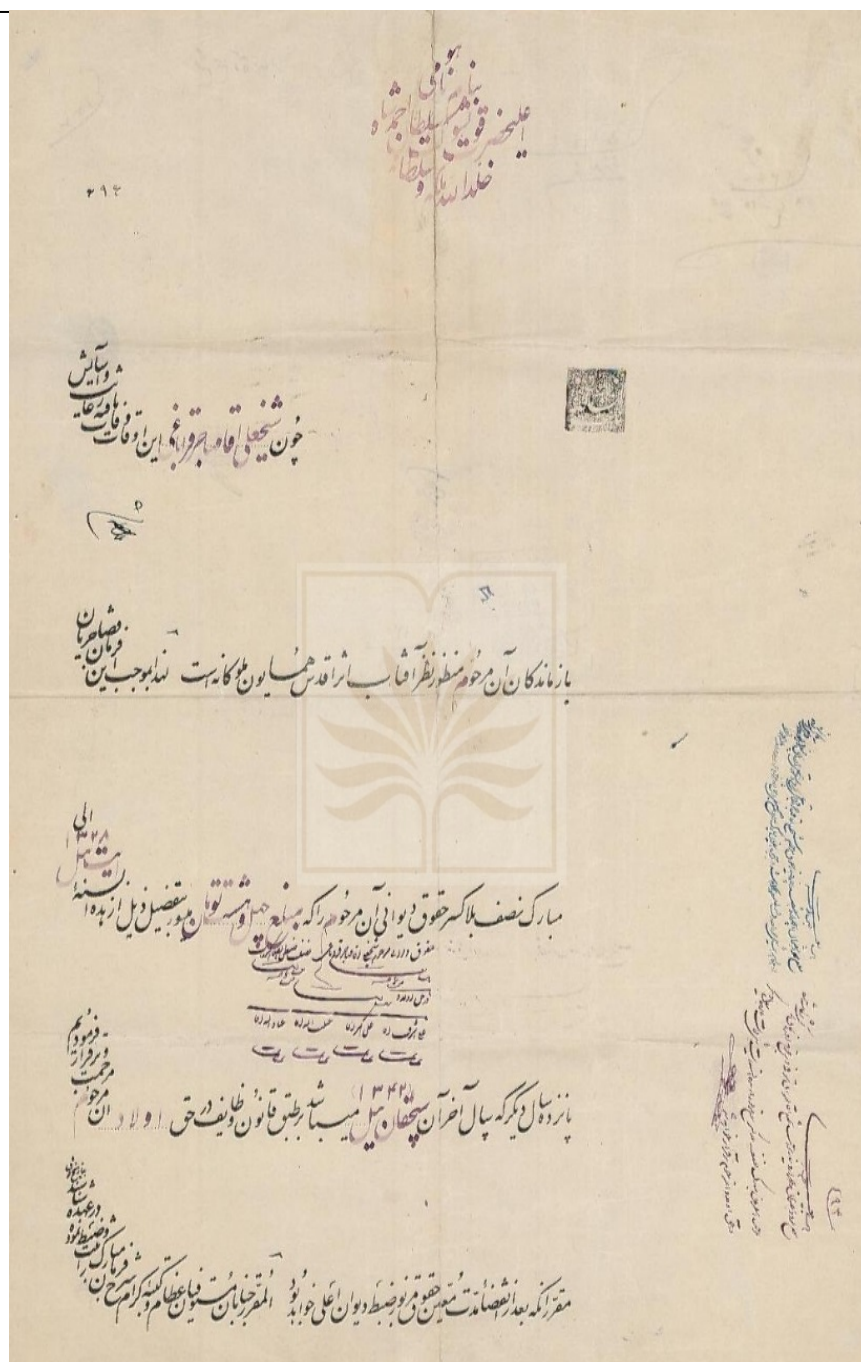


(ساکماخ، ش ۱۱۴۳۸)
تصویر شماره ۱۴- فرمان احمدشاه



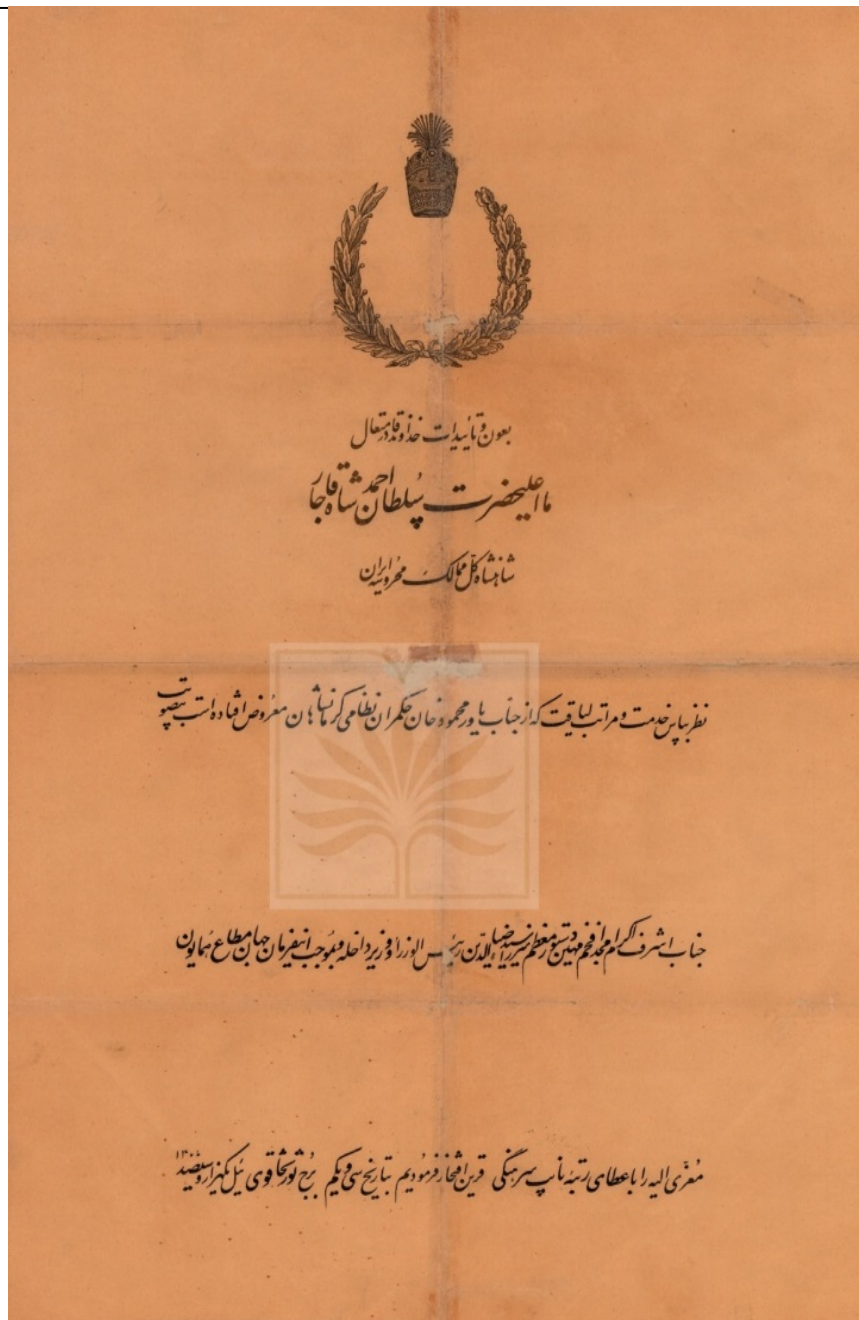
(ساکماخ، ش ۱۲۹)

تصویر شماره ۱۵- فرمان نایب السلطنه ناصرالملک



(ساکما، ۲۲۰۱۶-۲۴۰)

تصویر شماره ۱۶- فرمان احمدشاه



(ساکما، ۸۴۸۵-۲۹۰)

منابع

استرآبادی، میرز امهدی خان (۱۳۸۳)، *گزیده منشآت*، به کوشش نصرالله بیات، تهران: وزارت امور خارجه.
افضل الملک، میرزا غلامحسین خان (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، ۵ جلدی، تهران: نشر تاریخ ایران.

- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- آملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۹)، *نفایس‌الفنون فی عرایس‌العیون*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، ۳ جلد، تهران: اسلامیه، چاپ سوم.
- بوسه، هریبرت (۱۳۶۷)، *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی*، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بی‌هقی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، *تاریخ بی‌هقی*، به تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ سوم.
- تبریزی، محمد بن خلف (۱۳۶۲)، *برهان قاطع*، با اهتمام محمد معین، ۵ جلد، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق/لاخبار ناصری*، ۲ جلد، به تصحیح حسین خدیوچ، تهران: زوار.
- دستخط احمدشاه به عموم وزراء، ش ۶۷۱۷.
- دستخط احمدشاه به میرزا مرتضی قلیخان، ۱۳۴۳ ه. ق، ش ۱۱۸۱۹۰۰۳۲.
- دستخط احمدشاه به وزارت فواید عامه، بی تا ش ۶۳۷۳.
- دستخط احمدشاه به وزیر مالیه و پست و تلگراف، ش ۶۳۸۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، ۱۵ جلد، تهران: دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ۸ جلد، تهران: فردوس چاپ چهاردهم.
- عبدالدهله، احمد میرزا (۱۳۵۵)، *تاریخ عضدی*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: انتشارات بابک.
- فرمان احمدشاه به فرخ‌خانم، ۱۳۲۷ ه. ق، ش ۲۴۰-۲۲۰۸۰.
- فرمان احمدشاه به محمدخان، ۱۳۲۸ ه. ق، ش ۲۴۰-۲۲۰۸۵.
- فرمان احمدشاه به میرزا اسمعیل خان تبریزی، ۱۳۴۰ ه. ق، ش ۲۹۷-۳۲۶۹۲.
- فرمان احمدشاه به میرزا رضا منتخب الدوله، ۱۳۳۳ ه. ق، ش ۱۲۹.
- فرمان احمدشاه به میرزا محمود منشی، ش ۷۳.
- فرمان احمدشاه، بی تا ش ۲۹۷-۲۹۳۳۴.
- فرمان آقا محمدشاه به اشرفخان دماوندی، ۱۲۰۱ ه. ق، ش ۲۱۵۲، ۲.
- فرمان شاه سلطان حسین به میرزا سیدمرتضی وزیر یزد، ۱۱۲۵ ه. ق، ش ۸۷.
- فرمان فتح‌علی‌شاه به میرزا محمدعلی گلستانه، ۱۲۳۲ ه. ق، ش ۲۹۷-۳۴۴۸۴.
- فرمان فتح‌علی‌شاه به میرزا محمدکاظم، ش ۷۰۹۶.
- فرمان محمدشاه به آخوند ملا عبدالرحیم، ۱۲۵۱ ه. ق، ش ۱۲۷.
- فرمان محمدشاه به فتح‌علیخان، ۱۲۵۹ ه. ق، ش ۵۹۸۸.
- فرمان محمدشاه به محمدخان بیگلربیگی، ۱۲۵۵ ه. ق، ش ۵۹۸۳.
- فرمان محمدشاه به محمودخان قراقرز، ۱۲۵۵ ه. ق، ش ۶۰۱۲.
- فرمان محمدعلی‌شاه به خانواده متوفی، ش ۲۴۰-۲۲۱۴۷.
- فرمان مظفرالدین‌شاه به انجمن اصوات، ۱۳۲۳ ه. ق، ش ۴۲.
- فرمان مظفرالدین‌شاه به میرزا مصطفی‌خان صفا الممالک، ۱۳۱۹ ه. ق، ش ۱۱۴۳۸.
- فرمان مظفرالدین‌شاه به نظم‌السلطنه، ۱۳۱۴ ه. ق، ش ۱۲۵۰۱-۲۹۶.
- فرمان ناصرالدین‌شاه به حسنخان سرتیپ، ۱۳۱۱ ه. ق، ش ۸۸.
- فرمان ناصرالدین‌شاه به حشمت‌الدوله، ۱۲۸۶ ه. ق، ش ۶۵.
- فرمان ناصرالدین‌شاه به قاسمخان دیوان‌بیگی، ۱۳۰۱ ه. ق، ش ۲۲.
- فرمان ناصرالدین‌شاه به سیدحسین عرب، ۱۲۸۷ ه. ق، ش ۱۶۵۸۵-۲۴۰.

- فرمان ناصرالدین شاه به علیقلی خان مخبرالدوله، ۱۲۷۷ هـ ق، ش ۲۵۸۹۸-۲۹۶.
- فرمان ناصرالدین شاه به میرزا ابوالقاسم و میرزا حسینخان، ۱۲۹۹ هـ ق، ش ۱۹۷۰-۲۳۰.
- فرمان ناصرالدین شاه به میرزایحیی خان قوام دفتر، ۱۲۶۶ هـ ق، ش ۲۱۶۴۴-۲۴۰.
- فروغ اصفهانی، محمدمهدی (۱۳۷۸)، *فروغستان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- کریمزاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۸)، *اسناد و فرمان‌ها منتشر نشده قاجاری از دوران فتحعلیشاه*، لندن: بی‌نا.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۵)، *ناسخ‌التواریخ*، به تصحیح جمشید کیانفر، ۳ جلد، تهران: اساطیر.
- لمبتون، آ. ک. ت (۱۳۸۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، چ دوم.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶)، *شرح زندگانی من تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجاریه*، ۳ جلد، تهران: هرمس.
- معمدالدوله، میرزا عبدالوهاب (۱۲۸۱)، *گنجینه نشاط*، چاپ سنگی، کتابخانه ملی ایران.
- مکی، حسین (۱۳۸۱)، *زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه*، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.
- ملفوفه فرمان مظفرالدین شاه به ۹۶۰۷-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان فتحعلی شاه به عباس میرزا، ۷۲۹۵-۲۹۵.
- ملفوفه فرمان فتحعلی شاه به عباس میرزا، ۷۴۲۵-۲۹۵.
- ملفوفه ولیعهد به عضدالسلطان، ۱۳۲۳ هـ ق، ۷۷۲۴-۲۹۶.
- ملفوفه ولیعهد، ۱۳۰۶ هـ ق. ۲۳۸۱۶-۲۴۰.
- ملفوفه فرمان محمدشاه به بهمن میرزا، ۱۲۶۰ هـ ق، ش ۱۲۵۰۹-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان محمدشاه به حکام، ۱۲۶۴ هـ ق، ش ۶۹۴۵-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان محمدشاه به محمدکاظمخان قراجه‌داغی، ۱۲۵۵ هـ ق، ش ۷۱۳۳.
- ملفوفه فرمان محمدعلی شاه به میرزاسیدموسی خان، ش ۳۷۸۱۱-۳۹۷.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به عضدالملک، ۱۲۹۸ هـ ق، ش ۲۲۳.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به حسام‌السلطنه، ۱۲۷۹ هـ ق، ش ۲۶۰۰.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به عضدالملک، ۱۲۹۳ هـ ق، ش ۸۱۳۰.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به محمد معین‌التجار، ۱۳۰۴ هـ ق، ش ۱۲۰۴۳-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به مظفرالدین میرزا، ۱۲۸۸ هـ ق، ش ۱۴۴-۷-۳۱.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به میرزا عبدالله حاکم مازندران، ۱۳۰۸ هـ ق، ش ۴۵۸-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به میرزا عبدالله خان مستوفی، ۱۲۷۹ هـ ق، ش ۴۵۴-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به علیقلی خان مخبرالدوله، ۱۲۷۶ هـ ق، ش ۲۵۹۰۲-۲۹۶.
- ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به عموم مردم مازندران، ۵۵۷۲-۲۹۶. (۱۷)
- میرزاسمیعا (۱۳۶۸)، *تذکره الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- مینورسکی (۱۳۶۸)، *سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- میهنی، عبدالخالق (۱۳۸۹)، *آیین دبیری*، تصحیح اکبر نحوی، تهران: نشر دانشگاهی.
- نادر میرزا (بی‌تا)، *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، تهران: اقبال.
- ناشناخته، *تاریخ سیستان*، (۱۳۸۹)، تصحیح و تحشیه ملک‌الشعرای بهار، تهران: اساطیر.
- نفیسی ناظم‌الاطباء، علی اکبر (۱۳۴۳)، *فرهنگ نفیسی یا فرنودسار*، ۵ جلد، تهران: خیام.
- هدایت، رضاقلیخان (۱۳۳۹)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، ۱۰ جلد، تهران: خیام.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۴)، *جامع‌التواریخ*، ۳ جلد، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال، چاپ دوم.

- Afzal al-Molk, Mirza Ghalam Hossein Khan (1982), Afzal al-Tavarikh, 5 volumes, Tehran: Tarikh Iran Publishing House. [In Persian].
- Ahmad Shah's order to Farrokhkhanam, (1961). Q, Sh 240-22080. [In Persian].
- Ahmad Shah's order to Mahmoud Khan Yavar,(1961) 1340. Q, Sh 290-8485. [In Persian].
- Ahmad Shah's order to Mir Zarza Muthab al-Dawlah, (1954). Q, No. 129. [In Persian].
- Ahmad Shah's order to Mirza Asmeil Khan Tabrizi,(1961). Q, Sh 297-32692. [In Persian].
- Ahmad Shah's order to Sheikh Ali Agha,(N.D), No. 240-22016. [In Persian].
- Ahmad Shah's signature to the general ministers, (N.D), No. 6717. [In Persian].
- Ahmad Shah's signature to the Minister of Finance, Post and Telegraph, (N.D) No. 6381. [In Persian].
- Ahmad Shah's signature to the Ministry of Public Works, Beta, No. 6373. [In Persian].
- Amin al-Doleh, Mirza Ali Khan (2010), political memoirs of Amin al-Doleh, by Hafez Farmanfarmaian, Tehran: Amir Kabir, third edition. [In Persian].
- Amoli, Shams al-Din Mohammad (2010), Nafais al-Funun fi Arais al-Ayoun, edited by Abul Hasan Shearani, 3 volumes, Tehran: Islamia, third edition. [In Persian].
- Azd Doulah, Ahmad Mirza (1976), History of Azdi, by the efforts of Abdul Hossein Navaei, Tehran: Babak Publications. [In Persian].
- Beyhaqi, Abulfazl (1996), History of Beyhaqi, edited by Ali Akbar Fayaz, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, third edition. [In Persian].
- Bose, Haribert (1988), a study on the organization of the Islamic Court, translated by Gholamreza Varharam, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian].
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998), Dehkhoda dictionary, 15 volumes, Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Envelope of Muzaffar al-Din Shah's order to 296-9607, (N.D), [In Persian].
- Envelope of the Crown Prince to Azd al-Sultan,(1944), 296-7724. [In Persian].
- Estrabadi, Mirzamehdi Khan (2013), a selection of constructions, edited by Nasrullah Bayat, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].
- Farman Ahmad Shah, (N.D), No. 297-29334. [In Persian].
- Fath Ali Shah's message to Abbas Mirza, (N.D). 295-7295. [In Persian].
- Fath Ali Shah's order to Mirza Mohammad Kazem, No. (N.D) 7096. [In Persian].
- Forough Esfahani, Mohammad Mahdi (1999), Foroughistan, by Iraj Afshar, Tehran: Written Heritage. [In Persian].
- Ghaem Maqami, Jahangir (1971), an introduction to the recognition of historical documents, Tehran: National Art Association. [In Persian].

- Hamdani, Rashid al-Din Fazlullah (1995), *Jame al-Tavarikh*, 3 volumes, edited by Bahman Karimi, Tehran: Iqbal, second edition. [In Persian].
- Hedayat, Reza Qalikhan (1960), *Tarikh al-Safai Naseri*, 10 volumes, Tehran: Khayyam.
- Karimzadeh Tabrizi, Mohammad Ali (1989), *Qajar documents and unpublished decrees from the era of Fath Ali Shah*, London: Bina. [In Persian].
- Khormoji, Mohammad Jaafar (1965), *Haqat al-Akhbar Naseri*, 2 volumes, corrected by Hossein Khadiojam, Tehran: Zovar. [In Persian].
- Lasan-ul-Molk Sepehr, Mohammad Taqi (1996), *Naskh al-Tavarikh*, edited by Jamshid Kianfar, 3 volumes, Tehran: Asatir. [In Persian].
- Linear sources. [In Persian].
- Makki, Hossein (2002), *Political Life of Sultan Ahmad Shah*, 2 volumes, Tehran: Amir Kabir, 6th edition. [In Persian].
- Message of Naser al-Din Shah to Mohammad Qasim Khan Vali, (1898) 1276 AH. AH, 296-18912. [In Persian].
- Mihni, Abdul Khaliq (2010), *Ayan Dabiri*, edited by Akbar Nahovi, Tehran: University Press. [In Persian].
- Minorski (1989), *the administrative organization of the Safavid government*, translated by Masoud Rajabnia, Tehran: Amirkabir, second edition. [In Persian].
- Mirzasamia (1989), *Tazkira al-Maluk*, edited by Mohammad Debirsiaghi, Tehran: Amir Kabir, second edition.
- Mohammad Ali Shah's order to the family of the deceased, (N.D), No. 240-22147. [In Persian].
- Mostofi, Abdallah (2006), *My biography, the administrative social history of the Qajar era*, 3 volumes, Tehran: Hermes. [In Persian].
- Motamed al-Doulah, Mirza Abd al-Wahab (1902), *Treasure of Nishat*, lithography, National Library of Iran. [In Persian].
- Muhammad Shah's decree to the governors, (1885), No. 6945-296. [In Persian].
- Muzaffar al-Din Shah's decree to Nazm al-Sultaneh, (1935), No. 296-12501. [In Persian].
- Muzaffar al-Din Shah's order to Aswat Association, (1944), No. 42. [In Persian].
- Muzaffar al-Din Shah's order to Mirza Mustafi Khan Safal al-Mamalek, (1940). Q, Sh 11438. [In Persian].
- Nader Mirza (N.D), *History and Geography of Tabriz Sultanate*, Tehran: Iqbal. [In Persian].
- Nafisi Nazim al-Atba, Ali Akbar (1964), *Farhang Nafisi or Farnodsar*, 5 volumes, Tehran: Khayyam.
- Naser al-Din Shah's decree to Heshmat al-Dawlah, (1907), No. 65. [In Persian].
- Naser al-Din Shah's decree to Hosam al-Sultaneh, (1900). No. 2600. [In Persian].

- Naser al-Din Shah's decree to Mirza Abu al-Qasim and Mirza Ahsin Khan,(1920). Q, Sh 1970-230. [In Persian].
- Naser al-Din Shah's message to Ala al-Doulah, (N.D), No. 296-12814. [In Persian].
- Naser al-Din Shah's order to Ali Qali Khan Mukhbar al-Dawlah,(1989). Q, No. 296-25898. [In Persian].
- Naser al-Din Shah's order to Hasan Khan Brigadier,(1923), No. 88. [In Persian].
- Naser al-Din Shah's order to Mirzaihi Khan Qavam Daftar, (1887), No. 240-21644. [In Persian].
- Naser al-Din Shah's order to Seyyed Hossein Arab, (1908), No. 240-16585. [In Persian].
- Prince's package, (1927). Q. 23816-240. [In Persian].
- Tabrizi, Mohammad bin Khalaf (1983), decisive proof, with the efforts of Mohammad Moin, 5 volumes, Tehran: Amir Kabir, fifth edition. [In Persian].
- The decree of Fath Ali Shah to Abbas Mirza, (1864), No. 7425-295. [In Persian].
- The decree of Mohammad Shah to Bahman Mirza, (1881), No. 12509-296. [In Persian].
- The decree of Naser al-Din Shah to Ali Qali Khan Mokhbar al-Doleh, (1888), No. 25902-296. [In Persian].
- The decree of Naser al-Din Shah to Azd al-Mulk, (1914), No. 8130. [In Persian].
- The decree of Naser al-Din Shah to Azd al-Mulk, (1919), No. 223. [In Persian].
- The decree of Naser al-Din Shah to Mirza Abdullah Khan Mostofi, (1900). p. 454-296. [In Persian].
- The decree of Naser al-Din Shah to Mozafar al-Din Mirza, (1909), No. 7-31-144. [In Persian].
- The envelope of Naser al-Din Shah's order to Mirza Abdallah, the ruler of Mazandaran, (1929), p. 458-296. [In Persian].
- Unknown, History of Sistan, (2010), correction and revision of Malik al-Shaarai Bahar, Tehran: Asatir. [In Persian].

